



تشکر از رئیس جمهور

برای **ننه** گفتن به سازشکاران



تیر ماه با فاصله بعد از جنگ، فاطمه مهاجرانی گفت: «قدمات رژیم صهیونیستی باعث شده که دست موافقان فیلترینگ برای همراهی با این محدودیت‌ها پر تر از همیشه باشد.» او شاید نخستین کسی بود که فشار خارجی را به یک اختلاف نظر داخلی گره زد.

مردامه‌ا یعنی کمتر از چند هفته پس از جنگ ۱۲ روزه بیانیه جبهه اصلاحات ایران بیرون آمد. آنها چند درخواست روشن داشتند: اولاً، محدودیت فعالیت‌های سپاه ثانیاً، توقف غنی‌سازی ثالثاً، گستره اصلاحات ساختار سیاسی کشور این یعنی ۳نقطه قوت اصلی کشور در جنگ را هدف گرفتند.

میر حسین موسوی مدتی بعد از جنگ ۱۲ روزه بیانیه‌ای نوشت و درخواست کرد «مجلس مؤسسان برای تغییر نظام» تشکیل شود. او عملاً هدفی که اسرائیل به صورت نظامی نتوانسته بود محقق کند، می‌خواست به گونه‌ای دیگر محقق شود

بیانیه ۱۸۰ اقتصاددان غربگرا نیز در همان تیر ماه منتشر شد که در آن خواستار «تغییر پارادایم حاکم بر نظام حکمرانی کشور» شدند. آنها نیز خواستار تغییر آن چیزی شده بودند که اسرائیل با جنگ در پی هدف گرفتن آن بود.

همان مردامه محمدجواد ظریف در یادداشتی که در نشریه «فارین پالیسی» منتشر شد، درخواست «تغییر پارادایم» و اصلاح از درون را مطرح کرد.

حسن روحانی که پیش از جنگ همگام با آمریکا خواستار مذاکره مستقیم و نتیجه سریع بود و انگار نه انگار که او خود ۱۰ سال برجام را بر خلاف خواست رهبر درباره زمان این خسارت محض، به کشور تحمیل کرده بود، بعد از جنگ در بیانی تلویزیونی درخواست محدودیت سپاه و رفرائدوم در تصمیمات مهم کشور برای محدود کردن رهبری و سپردن صداوسیما و دستگاه امنیتی به مردم را مطرح کرد.

روحانی و ظریف چندماه بعد از جنگ ۲تا دوقطبی دیگر را شکل دادند. روحانی که سابقه چرخ سانسرتیفیوژ و چرخ زندگی را ساخت و به هر دو در دهه ۹۰ ضربه زد، این بار دوتایی دلسوزی و خامناسوزی را ساخت. ظریف هم دوتایی موشک و مردم را مقابل هم قرار داد و اشاره نکرد که تنها مدافع مردم در جنگ ۱۲ روزه همین سپاه و موشک‌هایش بود.

عباس آخوندی در مصاحبه‌ای اعلام کرد به جای مذاکره هسته‌ای باید سراغ مذاکره جامع با آمریکا برویم. این سخن بعد از مکانیسم ماشه و شکست همه‌جانبه ایده مذاکره با آمریکا بود.

ظریف در مصاحبه با النهار لبنان اعلام کرد نیاز به مذاکره همه‌جانبه داریم. او تلویحا مقصر مکانیسم ماشه را ایران دانست.

حسن روحانی بعد از مکانیسم ماشه در آخرین اظهارنظرش گفت مذاکره برد-برد ممکن است. او بحث تغییرات اساسی در ساختار سیاسی را مطرح کرد و تلویحا سیستم امنیتی کشور را مقصر دانست.

نقد و بررسی سخنان آقای روحانی بعد از دولت چهاردهم پیرامون مذاکره با آمریکا

حمایت از مذاکره و رفع تحریم: آقای روحانی معتقد است دوگانه جنگ یا تسلیم غلط است و می‌گوید ما می‌توانیم هم نجاتیم و هم تسلیم نشویم و راه تعامل و مذاکره را پیش بگیریم. او بر امکان پذیر بودن مذاکره با جهان حتی در شرایط پیچیده فعلی تأکید دارد و تعامل برد- برد را اساس سیاست خارجی دولت قبلی خود معرفی می‌کند.

لزم تعامل و برهیز از مقابله مطلق: آقای روحانی می‌گوید در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی نباید صرفاً ایستاد و مقابله کرد، زیرا این کار شدنی نیست و به نفع نظام و مردم نیست، بلکه باید رابطه با دنیا را تقویت کرد.

اهمیت حاکمیت مردم در تصمیم‌گیری: بر این نکته تأکید کرده‌اند که بزرگ‌ترین عامل جلوگیری از جنگ و توطئه دشمن، حضور مردم در صحنه است و باید به خواسته‌های مردم که خواهان تحول جدی در وضعیت حکمرانی هستند، توجه شود.

تغییرات اساسی: ایشان بعد از جنگ ۱۲ روزه در خواست محدودیت سپاه و رفرائدوم در تصمیمات مهم کشور و حتی مسائل امنیتی و تغییرات اساسی در ساختار سیاسی کشور را مطرح کرد.

اعتراف ضمنی به بدعهدی آمریکا: در عین حال، روحانی اعلام کرده که مذاکره با آمریکا باید در چارچوبی مشخص و با پذیرش قوانین بین‌المللی باشد و انتقاد می‌کند که طرف آمریکایی تعهدات خود را نقض کرده و اجرای توافق برجام را پاره کرده است.

نقد و بررسی: تأکید روحانی بر حل مسائل از طریق تعامل و مذاکره با غرب و آمریکا، به‌خصوص آمریکایی که به‌گفته وی عملاً برجام را پاره کرده و تحریم‌ها را ادامه داده، می‌تواند به‌معنای انفعال و قبول فشارهای دشمن تلقی شود که ضدویکرد مقاومت است. بهرغم بیان ضرورت وحدت ملی، راهبرد روحانی زمینه‌ساز شفاف در داخل کشور شده بود، چراکه ایجاد امیدمذاکره با غرب در برابر جبهه مقاومت و استقلال، عده‌ای را به تردید انداخته بود. وی‌کرد مذاکراتی متکی بر اعتماد به غرب و آمریکا در تضاد با تجربه تاریخی دشمنی‌ها و خیانت‌های مستمر آمریکا علیه انقلاب اسلامی و کاهش عزت ملی قرار دارد. سخنان ایشان ادامه سیاست گم‌زدن اقتصاد به خارج و مذاکرات بدون توجه به توان و ظرفیت‌های داخلی و بومی و فعال سازی آنهاست و این ضدسیاست اقتصاد مقاومتی است.

اصرار غربگراها

رفتارهای غربگراها در ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه جالب توجه است.

مذاکرات به وقت دولت چهاردهم

تاریخ مذاکره میان ایران و آمریکا در دولت چهاردهم را می‌توان به قبل و بعد از جنگ تحمیلی ۱۲روزه اسرائیل تقسیم کرد. دولت پزشکیان معتقد به گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان، از جمله آمریکا بود و این مسیر را راهی برای تثبیت «حقانیت ایران و مقاومت در جهان» می‌دانست. با این حال، در مورد ایالات متحده، مقامات دولت بارها از بی‌ثمر بودن گفت‌ووها و بن‌بست در مسیر مذاکره سخن گفتند.

نقد برخی از مواضع جناب آقاظریف در ۲سال اخیر پیرامون روابط با غرب در اجلاس داووس



استدلال‌های دولت برای بن‌بست دانستن مذاکره

۱. تجربه کردیم که مذاکره بن‌بست محض است. (عراقچی)

۲. مذاکره با قلدر خطاست. (پزشکیان)

۳. در شرایط مساوی گفت‌وگو نمی‌کنند. (عراقچی)

۴. شرط مذاکره را پذیرش نتایج مدنظرشان قرار می‌دهند. (عراقچی)

۵. اسمش مذاکره است؛ واقعیتش دیکته است. (عراقچی)

۶. آنها زیر بار گفت‌وگوی بدون اجبار نمی‌روند. (مهاجرانی)

۷. می‌گویند دارایی نقدتان را بدهید تا عمل به تهدیدیمان را ۶ماه عقب ببندازیم. (عراقچی)

۸. اروپا که رسماً اعلام کرده هیچ اختیاری ندارد و برای آنکه آنها چه کار کنند، باید با آمریکا مذاکره کنیم. ما مسخره‌شان می‌کردیم. (عراقچی)

۹. آنها دست از زیاده‌خواهی برنمی‌دارند. پای گفت‌وگو در شرایط مساوی نمی‌نشینند. (عراقچی)

۲۲دی ۱۴۰۳

اگر امروز به جای مسعود پزشکیان، سعید جلیلی را به‌عنوان رئیس‌جمهور داشتیم، ممکن بود جنگ بزرگی در منطقه در جریان باشد.

نقد: دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور شد و اسرائیل به ایران حمله کرد. مشکل دشمن با ایران اسلامی است نه اشخاص و جریان‌ها و این تحلیل‌ها انحرافی است. این حرف‌ها فقط منجر به ایجاد دوقطبی در کشور می‌شود و برخلاف وفاق است. مقاومت همیشه برای اهداف خود کار کرده است؛ حتی به قیمت ضرر ما... ما از ۱۷اکتبر اطلاعی نداشتیم... ما قرار بود ۹اکتبر با آمریکایی‌ها درباره احیای برجام دیدار داشته باشیم که این عملیات آن را نابود کرد.

نقد: اگر مقاومت نبود، اسرائیل تا مرزهای ما می‌آمد و رویای نیل تا فرات صهیونیست‌ها سال‌ها قبل از این محقق شده بود. ۱۷اکتبر، به نفع کل جهان اسلام بود و ماهیت رژیم صهیونیستی را بر ملا کرد.

۹مرداد ۱۴۰۴

توبیت: در این دوران کینه، ترس و جنگ، همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای در خاورمیانه هنوز ممکن است.

نقد: در شرایطی که با خیانت‌آزانی به زیرساخت‌های ما حمله شده بود، این پیام چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا این پیام نشان ضعف نیست؟

۱۶مهرماه ۱۴۰۴

در هفتمین نشست گفت‌وشنود پیرامون «نظم جهانی و سیاست خارجی ایران» با موضوع «ایران پسابرجام و آینده نظم جهانی» در مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا(ایران)؛ همین جنگ‌اخیر با گفت‌وگو تمام شد... ما همه چیز را باور داریم غیراز دیپلماسی را!..

نقد: گفت‌وگو جنگ را تمام نکرد بلکه قدرت ایران در پاسخ به دشمن موجب شد که دشمن درخواست آتش‌بس کند. بارها ایران نشان داده که اهل دیپلماسی است و هیچ‌گاه جنگ را علیه هیچ کشوری شروع نکرده است.

این دو جمله با هم در تناقض محض است.

۲۲مهر ۱۴۰۴

مصاحبه با النهار لبنان

جمهوری اسلامی ایران راهبرد مذاکره مستقیم، چندوجهی و معطوف به نتیجه را در پیش بگیرد.

نقد: در شرایطی که رهبر معظم انقلاب بارها با استدلال فرموده‌اند مذاکره مستقیم هیچ کمکی به ایران نمی‌کند و به نفع ایران نیست، وی راهبرد مذاکره مستقیم را پیشنهاد می‌دهند. تجربه ۸ساله وزارت ظریف و پرونده پرهزینه برجام، بیش از هر چیز ثابت کرد که تکیه بر مذاکره مستقیم با آمریکانه‌تنها گرهی از مشکلات ایران نگشود، بلکه ابزار فشار، نفوذ و بی‌ثبات‌سازی دشمن را گسترده‌تر کرد.

گذشت زمان به نفع ایران نیست.

نقد: پاسخ‌گوینده ایران به اسرائیل و تحولات منطقه اتفاقاً کاملاً مشخص کرده که توازن قوا به نفع آمریکا و اسرائیل نیست و گذشت زمان به نفع ایران است. پمپئو در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ با استناد به بند ۱۰ قطعنامه ۲۲۳۱(که آمریکا را عضو برجام می‌نامد) درخواست اسنپ‌یک کرد اما آمریکا در شورای امنیت ۱۳ به ۲ شکست خورد.

الان ما به ۹ به ۴ شکست خوردیم. چه اتفاقی افتاد که شرایط به این ترتیب پیش رفت؟

نقد: این بیان تلویحا ایران را مقصر بازگشت تحریم‌ها می‌داند، در صورتی که ایران هم به تعهدات خود عمل کرده بود و هم مورد تجاوز آشکار آمریکا در حمله به تاسیسات هسته‌ای خود قرار گرفت.

۲۴مرداد ۱۴۰۴

یادداشتی از محمدجواد ظریف در نشریه فارین پالیسی: با اینکه دفاع قوی ضروری است، یک راه‌حل پایدار به ابتکار دیپلماتیک جسورانه نیاز دارد؛ تغییر تاریخی برای ایران و منطقه از یک پارادایم ریشه‌دار تهدید به یک پارادایم توانمندسازی فرصت‌ها تبدیل شد از جمله گسترش روابط با همسایگان و کشورهای جنوب جهانی، ایجاد شراکت منطقه‌ای جدید میان کشورهای مسلمان غرب آسیا و از سرگیری گفت‌وگو با اروپا و ایالات متحده. **نقد:** در شرایطی آقای ظریف ایران را به تغییر پارادایم دعوت می‌کند که ایران در میانه مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا مورد تهاجم اسرائیل و بعد هم آمریکا قرار گرفت. ایران بارها از سوی مقامات خود اعلام کرده که اهل گفت‌وگوست ولی در حالی که با آژانس در مصر به توافق رسیده بود و با اروپا در حال مذاکره بود، اسنپ‌یک فعال شد. پس کسی که باید تغییر پارادایم بدهد، غرب است نه ایران.